

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگیریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۰ تیر ۱۳۸۸، ۱ ژوئیه ۲۰۰۹

منصور فرزاد - عبدالکلیریان Iskraa_nkk@yahoo.com

هزاران نفر از مردم تهران یاد ندا را گرامی داشتند



نیروهای سرکوب رژیم به مردم حمله کردند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند و مردم با شعار مرگ بر دیکتاتور عکس العمل نشان

به فراخوان جمعی از مردم کرمانشاه که از طریق کانال جدید به گوش همه مردم رسید و بدنبال آمادگی مردم از شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، کرمان، قم و سیرجان که از طریق کانال جدید برنامه های خود را برای برگزاری مراسم اعلام کردند، امروز شنبه ساعت ۵ عصر حدود سه هزار نفر از مردم تهران در میدان انقلاب به صورت دسته های مختلف حضور یافتند تا یاد ندا و سایر جانباختگان را گرامی بدارند.

صفحه ۴

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد اوضاع سیاسی رژیم اسلامی در محاصره انقلاب مردم

علیرغم سفاکانه ترین سرکوب، شگفت زده کرد. تا همینجا انقلاب ایران احترام و حمایت شورانگیز مردم جهان را برانگیخته است. بسیاری تلقیاتی، دگم ها و دروغ هایی که دستگاه مهندسی افکار طبقات حاکم طی دهه های گذشته پرداخته بود را نقش بر آب کرد. معلوم شد مردم ایران اسلامی نیستند؛ حاکمیت حجاب و سنگسار و آخوند نمی خواهند؛ فرهنگی متفاوت از فرهنگ عقب مانده و شرقرده

صفحه ۲

بیانیه ۲۴ خرداد اعلام کردیم، این اولین گام های انقلاب مردم ایران علیه جمهوری اسلامی است. اکنون باید در باره دستاوردهای تاکنونی و شرایط پیشروی آن سخن گفت.

ویدئوها و عکس ها و اخباری که به یمن عصر اینترنت به فاصله کوتاهی به سراسر جهان مخابره شد، مردم جهان را از عمق رادیکالیسم، مدرنیسم و عزم راسخ تظاهرکنندگان در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی،

اکنون تردیدی نیست که تظاهرات های میلیونی روزهای گذشته که با مقابله وحشیانه جمهوری اسلامی به یک جنگ تمام عیار خیابانی بین تظاهرکنندگان و نیروهای سرکوبگر در تهران و اصفهان و تبریز و شیراز و بسیاری شهرهای دیگر تبدیل شد، نه جنبش "طرفداران موسوی" بود، نه "انقلاب مخملی" و نه محدود به "جنبش اعتراض به تقلب انتخاباتی". این به میدان آمدن میلیونی مردم بر علیه کل نظام حاکم اسلامی بود. چنانکه در

سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم توسط مردم معترض تسخیر شد



صفحه ۵

تسخیر سفارت رژیم در سوئد و روزه کیهان شریعتمداری

صفحه ۵

نامه حمید تقوایی به بانکها و نهادهای مالی جهان

صفحه ۴

ده خواست فوری مردم!

صفحه ۴

انقلابی که توجه جهانیان را به خود معطوف کرده است

جناحهای حکومتی جنگ آخر خود را آغاز کرده اند. دو بال رژیم اسلامی اگر قبلا حمله علیه همدیگر را در خفا پیش میبردند، در جریان انتخابات اخیر هر روز بیش از روز قبل حملاتشان علیه همدیگر شکل آشکارتری به خود میگیرد. جنگ این جناحها با هیچ سازشی تمام شدنی نیست. به قول

صفحه ۲

مقایسه با دوران قبل از آن نیست. به بهانه انتخابات جامعه تکان جدی خورد. در جریان رقابتهای انتخاباتی بر سر پست ریاست جمهوری بین جناحهای حکومتی، جامعه فرصتی به دست آورد و چندین قدم به جلو برداشت. آتش زیر خاکستر با استفاده از فضای انتخابات و جنگ جناحها شعله ور شد.



محمد آسگران

جامعه ایران وارد فاز جدیدی شده است. کل معادلات دوران قبلی اکنون به تاریخ پیوسته اند. جامعه بعد از دوران انتخابات قابل

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

انقلابی که توجه جهانیان را ...

از صفحه ۱

حمید تقوایی یکی برای حفظ تاجش و دیگر برای حفظ جانش مجبور است در این جنگ برای شکست رقیب از تمام توان خود استفاده کند. این جنگ در مناظره های تلویزیونی دوران قبل از انتخابات عمق اختلافات جناحهای حکومتی را به جامعه نشان داد. استراتژی هر کدام از جناحهای حکومت اعلام پیروزی خود و شکست طرف مقابل است. با اعلام نتایج آرا و تبریک به احمدی نژاد، از جانب خامنه ای قبل از اینکه حتی مراجع "قانونی" خودشان نتایج آرا رسماً اعلام کنند، پیشا پیش پیغام و اعلان جنگ به جناح مقابل بود. جنگ جناحهای رژیم اسلامی را نمیتوان و نباید در چهار چوب رقبتهای آنها در دوران دوم خرداد دید. آندوره با شکست دوم خرداد تمام شد. اما جامعه ایران تنها صحنه جدال دو جناح رژیم نیست. جدال آنها اساساً برای قدرت بیشتر خودشان، برای غارت بیشتر مردم و مهار کردن و شکست و تسلیم جناح سوم یعنی مردم است.

جناح سوم یعنی میلیونها مردم معترض و آزادیخواه ایران برای به زیر کشیدن کلیت این رژیم با قدرت به میدان آمده است. مردم با استفاده از امکانات موجود و با استفاده از فضای جنگ باندی رژیم اسلامی که دو شقه شده اند به میدان آمده اند و به سرعت دارند از این فضا رد میشوند. سیر تحولات و تغییر شعارها و تغییر شکل مبارزه مردم بویژه در تهران در مدت کمتر از ده روز بعد از مضحکه انتخابات این واقعیت را نشان میدهد.

سیر تحولات سیاسی در ایران به سرعت در حال تغییر است. هر روز اخبار و گزارشاتی منتشر میشود که حاکی از پیشروی مردم و زمین گیر شدن رژیم اسلامی است. جمهوری اسلامی زیر فشار اعتراض میلیونی مردم چند تکه شده است. این شقه شدن رژیم با اختلافات دورانهای قبل قابل مقایسه نیست. این بار تمام پیکره رژیم اسلامی از بالاترین رده های حکومتی تا پایینترین مدافعان آن دچار انشقاق و چند دستگی شده و جنگ آخشان را علیه همدیگر

آغاز کرده اند. خامنه ای که تا دیروز به عنوان رهبر همه این جناحها حتی اگر در ظاهر هم بود، اکنون به عنوان رهبر يك جناح در مقابل جناح دیگر و در مقابل كل جامعه ایستاده است.

"سید علی پینوشه ایران شیلی نمیشه" اگر قبلاً شعار جوانان و دانشجویان در این یا آن شهر و دانشگاه بود اکنون به شعار توده ای مردم تبدیل شده است. این شعار در کنار شعار "مرگ بر دیکتاتور" که در ابعاد میلیونی سر داده میشود، شعارهای مرگ بر شاه و مرگ بر استبداد اوایل انقلاب ۵۷ را تداعی میکند. مردم در همه انقلابات ابتدا و با شروع هر انقلابی از امکانات "قانونی و نیمه قانونی استفاده میکنند. در همه انقلابات ابتدا کسانی از خود حکومت و یا اپوزیسیون قانونی و نیمه قانونی مطرح میشوند. اما مردم و اپوزیسیون سرنگونی طلب و رادیکال که خواهان تغییر جدی حکومت و جابجایی قدرت سیاسی هستند به سرعت جلو می آیند.

اکنون در ایران در کنار شعارهای ذکر شده ما شاهد شعار "جمهوری اسلامی نمیخوایم، نمیخوایم"، مرگ بر جمهوری اسلامی و غیره هستیم. این شعارها با رشد اعتراضات مردم ابعاد توده ای به خود میگیرند. این شعارها با هر نیرویی تداعی شود شانس آن نیرو برای گرفتن قدرت سیاسی بالا میرود.

اما این مسیر میتواند با افت و خیزهایی مواجه شود و در عین حال میتواند به سرعت به نتیجه برسد. طی شدن این مسیر بستگی به ایفای نقش نیروهای متخاصم در این جنگ دارد. دولت و حامیانش قطعاً برای حفظ حکومت خود به جز سرکوب امکان دیگری در اختیار ندارند. در ابعاد ملی و بین المللی امکان و نیرویی نیست که به داد رژیم اسلامی برسد. جامعه جهانی با اهدافی متفاوت در جهت تضعیف رژیم اسلامی به حرکت در آمده است. اپوزیسیون مجاز و غیر مجاز حکومت در داخل و خارج هم با

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد اوضاع سیاسی رژیم اسلامی در محاصره انقلاب مردم

از صفحه ۱

مراحل مختلف بدرستی عبور بدهد. تردید نباید کرد که چه دار و دسته های مختلف جمهوری اسلامی و چه جریانات بورژوازی کمی دورتر و بیرون از رژیم خواهند کوشید تا مراحل و ایستگاه های متعدد تعریف کنند تا مگر مردم و انقلابشان را در نقطه ای به سازش بکشانند و بی حقوقی و نابرابری را حفظ کنند.

نیرویی میتواند این انقلاب را تا به آخر رهبری کند و به پیروزی برساند که نمی خواهد هیچ گوشه ای از جمهوری اسلامی را حفظ کند. که نمی خواهد اسلام "لطیف و خوش خیم" را سرکار بیاورد، بلکه میخواهد آنرا تماماً از حکومت پایین آورد و به کنج باورهای مومنین براند. که هیچ نفعی در استبداد و اختناق ندارد، نمی خواهد يك ذره آزادی بدهد بلکه تمام آزادی را میخواهد. نیرویی که با هیچ گونه تبعیض چه جنسی، چه مذهبی و چه قومی سر سازش ندارد. نیرویی که هیچ نفعی در استعمار و نابرابری اقتصادی ندارد بلکه میخواهد برای همیشه به استعمار و جهان وارونه کنونی پایان دهد. این نیرو را اینک در سیاست ایران حزب کمونیست کارگری با قدرت و بدون تزلزل نمایندگی میکند. پیوستن به حزب و برپایی حوزه ها و ستاد های آن در هر کارخانه و محله و دانشگاه و مدرسه، بردن شعارها و سیاست ها و فراخوان های حزب بین مردم، که هرروزه از کانال جدید طرح میشود، برقراری رابطه محکم و منظم با رهبری حزب و تبدیل آن به ستاد عملی رهبری کنندگان مبارزات و اعتراضات مردم، شرط پیروزی انقلاب حاضر است.

رژیم اسلامی را فرا گرفته و تا سرحد درگیری های خونین درونی پیش رفته است. حالت فوق العاده و فلج کنونی برای رژیم قابل دوام نیست و در همانحال بازگشت به وضعیت عادی بدون عقب نشینی رژیم در برابر مردم و حل و فصل دعواهای درونی قابل تصور نیست. رژیم اسلامی بر سر يك دوراهی قرار گرفته است که هر دو به بن بست ختم میشود.

همه چیز بر محاصره همه جانبه تر رژیم اسلامی توسط انقلاب مردم دلالت دارد. انقلاب برای پیروزی بر جمهوری اسلامی باید گام های بلافصل پیشروی خود را بدقت تعریف کند. تعیین خواسته ها و مطالباتی که همه جا با قدرت مطرح شود و جمهوری اسلامی را بیش از پیش به عقب راند، یکی از مهمترین گام هاست. معرفی و محاکمه عاملین و آمرین کشتارها، آزادی اجتماع و اعتصاب و بیان، لغو حجاب و آپارتاید جنسی، آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام و يك میلیون تومان حداقل دستمزد فوری ترین خواسته هایی است که باید در اجتماعات و اعتراضات و تظاهرات مطرح شود. همچنین تا آنجا که به شکل مبارزه برمیگردد، ضمن تداوم تظاهرات ها و شعار دادن های شبانه، باید اشکال دیگر اعتراض نظیر تحصن و اعتصاب را در دستور گذارد. سازمانیابی توده ای نظیر تشکیل کمیته های اعتصاب و هسته های جوانان محل و غیره اکنون باید مورد توجه قرار گیرد. باید در هر کارخانه و مدرسه و بیمارستان برای اعتصابات سراسری آماده شد. باید هر محله و خیابان را به سنگر انقلاب تبدیل کرد.

اما مهمترین مساله، تامین رهبری سیاسی هوشیار، رادیکال و توانایی است که انقلاب را از

حکومت دارند؛ بسیار متمدن اند و مثل ساکنین برلین و پاریس بهترین های جهان امروز را میخواهند. فرهنگ والای انقلاب و عکس العمل سبعمانه جمهوری اسلامی نه فقط رژیم جنایتکار ایران که کل جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی را بشدت بی آبرو و تضعیف کرده است. انقلاب همچینین دول غرب که سالهاست ریاکارانه با این جنبش ارتجاعی مماشات میکنند را دچار مخمصه شدیدی کرده است. اکنون سیاستمداران غربی به صرافت افتاده اند که چگونه میتوانند با رژیم جنایتکار اسلامی که مردم را چون ندا آقا سلطان در پیش چشم جهانیان با قساوت میکشد، روابط گذشته را ادامه دهند. انقلاب در اولین قدم خود جمهوری اسلامی را به چنان موقعیتی در افکار عمومی جهان و سیاست بین الملل رانده است که رژیم منفرود آپارتاید نژادی به آن دچار بود.

در داخل ایران نیز انقلاب تا همینجا جامعه را زیر و رو کرده است. مردم طعم قدرت عظیم خود را چشیده اند و اکنون با اعتماد به نفس بیشتر در سیاست و تغییر اوضاع دخالت خواهند کرد. توازن قوای سیاسی و روانی کاملاً به زیان رژیم و به نفع مردم تغییر کرده و اعاده اوضاع سابق ممکن نیست. کشتارها و جنایات وحشیانه ای که رژیم در طی چند روز اخیر مرتکب شده است تنها انزجار عمومی و عزم و اراده مردم برای به گور سپاردن كل رژیم را محکم تر کرده است. اعتراضات اخیر يك وضعیت فوق العاده و حالت حکومت نظامی دوفاکتو را به رژیم اسلامی تحمیل کرده و ساختار رسمی رژیم را در هم ریخته است. دعوای جناح ها و دار و دسته های رژیم که در جریان انتخابات بسیار حاد شد اکنون بمراتب عمیق تر شده، سر تا پای

سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ تیر ۱۳۸۸، ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹

انقلابی که توجه جهانیان را ...

از صفحه ۲

اهداف کاملاً مجزا و برای اصلاحاتی در همین نظام، اما در مقابل این حکومت ایستاده اند. رسانه های سیاسی و خبری جهانی هیچکدام به نفع رژیم نیستند. افکار عمومی جهان آماده و در انتظار تحولاتی جدی در ایران است. اما يك سوال هنوز بر فراز افکار عمومی سایه انداخته است و آن اینکه ایران به چه سمتی میرود، سرنوشت این اعتراضات چه میشود؟

جمهوری اسلامی دور راه بیشتر به رویش باز نیست. یا قریبانی کردن احمدی نژاد و ولی فقیه و یا سرکوب خشن و قلع و قمع کردن بخشی از بنیان گزاران رژیم اسلامی و اپوزیسیون قانونی فعلی و به دنبال آن کشتار مردم. اما در هر دو حالت شکست رژیم اسلامی قطعی است. مردم به میدان آمده به این رژیم امکان تشبیت دوباره خودش را نمیدهند. در هر دو حالت مردم از روی جنازه این رژیم رد خواهند شد. اینکه جمهوری اسلامی بتواند با يك اقدام شبهه کودتایی کل سران جناح مخالفش را دستگیر کند و به دنبال آن مردم را سرکوب و مرعوب کند امکانی محال برای این رژیم است. قدرت آنرا ندارد. نه مردم ایران و نه جامعه جهانی این امکان را به جمهوری اسلامی نمیدهند.

جمهوری اسلامی هم در چشم جامعه و هم در چشم جهانیان مشروعیتش را از دست داده است. ممکن است سران جناح مخالفش را به زندان ببرد، اما مردم را نمیتواند مرعوب کند. زیرا مردم از همین حالا از جناح معترض به انتخابات رد شده و پیروزی خود را رفتن این رژیم تعریف کرده اند. شعار مرگ بر جمهوری اسلامی در تهران و پدیده بی حجابی در ایران در حال رشد و گسترش است. اکنون اعتراض مردم نه برای به قدرت رسیدن موسوی بلکه برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است.

جدال جناحهای این رژیم قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری و افشاگرهای باندهای حکومتی علیه همیدگر دوران ۳۰ ساله حکومتشان

را زیر ضرب برده است. این افشاگرها از جانب دست اندرکاران خود این حکومت عدم مشروعیت آنرا بیش از همیشه به اثبات رساند. در انظار مردم ایران سالها است که این رژیم مشروعیت ندارد. اما اخیراً با بالا گرفتن جنگ جناحها و افشای همیدگر که هر کدام در دورانهایی معینی زمام امور را در دست داشته اند، برای مدافعان این رژیم نیز مشروعیت جمهوری اسلامی به پایان رسید. زیرا بالاترین مقامات این رژیم در دورانهایی مختلف جلو دوربین قرار گرفتند و گفتند که این رژیم در ۳۰ سال عمر خودش اساساً کارش دزدی، قتل، جنایت و سازمان دادن زندان خصوصی و شکنجه و سو استفاده از اموال مردم و ترور ... بوده است.

بنابر این هر تکتیک و سیاستی که جمهوری اسلامی و جناحهای رقیب در پیش بگیرند راهی بجز سرنگون شدن و پایان عمر جمهوری اسلامی در ایران وجود ندارد. اما این پروسه میتواند و ممکن است بسیار پیچیده و با افت و خیز به سرانجام برسد. جمهوری اسلامی حکومت شاه نیست که سریع ذوب بشود و جایجایی قدرت اتفاق بیفتد. در میان مدت يك احتمال قوی این است که جمهوری اسلامی با قدرت جمعیت و در زیر فشار داخلی و بین المللی کنترل بر اوضاع را از دست بدهد و متلاشی شود. اما این فقط يك احتمال است. احتمال دیگر این است که با تمام قدرت نظامی به دفاع از خودش بپردازد رفسنجانی و موسوی و کروی و همه سران جناح مخالف خودش را دستگیر و هر صدای مخالفی را به گلوله ببندد. در این شرایط هم مدت زیادی طول نمیکشد که با قدرت اعتراض مردم در ابعاد میلیونی مواجه میشود و شکست میخورد. اما در چنین شرایطی که جمهوری اسلامی تصمیم به مقابله نظامی گرفته باشد مردم راهی بجز دست بردن به اسلحه برایشان نمیماند و جنگ کوچی به کوچی و رها کردن شهرها از دست رژیم آغاز میشود. این احتمال دومی

بسیار پیچیده و خونین خواهد بود. اما جمهوری اسلامی در هر حال رفتنی و به پایان عمر خود رسیده است. برای اینکه مجال و امکان این احتمال دومی را کم کنیم تنها راه این است که با قدرت جمعیت هر نوع ماجراجویی را از رژیم اسلامی سلب کنیم.

کلید پیروزی در این جنگ وجود حزب و جریانی با اعتماد به نفس روشن بین و حاضر در میدان جنگ مردم با جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری وظیفه خود را چنین تعریف کرده است که در راس جنگ مردم با رژیم اسلامی با تمام توان نقش ایفا کند. انقلاب مردم ایران علیه نظم موجود فقط با وجود يك رهبری منسجم، با درایت، و روشنیبین میتواند پیروز شود. مردم در جریان انقلاب خود رهبری صالح را انتخاب میکنند. جریانات حکومتی و حاشیه حکومت هر چقدر در مقابل جناح رقیب هم ایستاده باشند کارشان فقط محدود کردن مبارزات مردم برای به قدرت رسیدن خود است.

شناخت از سیاست جریانات اپوزیسیون راست و چپ و دوستان و دشمنان مردم در جریان این تحولات و خیزشهای توده ای بسیار مهم و تعیین کننده است. تا جایی که به احزاب و جریانات راست مربوط است همگی به دنباله موسوی تبدیل شده اند. حتی بخش زیادی از سلطنت طلبان پرچم شیر و خورشیدشان را در کنار پرچم سبز موسوی قرار داده اند. آنها به این نتیجه رسیده اند برای شریک شدن در قدرت به نفعشان است جناحی از رژیم را تقویت کنند. از نظر اینها تقویت موسوی و رفسنجانی هم ناسیونالیسم ایرانی را تقویت میکند و هم وجود نیروهای مسلح سرکوب را برای آینده حفظ خواهد کرد. آنها میخواهند جایجایی قدرت بدون انقلاب صورت بگیرد. مهمترین فاکتور برای سلطنت طلبان جایجایی قدرت از بالا و بدون دخالت مردم است.

جریانات دوم خردادی و دنباله های خاتمی اکنون همگی پشت سر موسوی صف کشیده اند. توده ای اکثریتیها، جمهوری خواهان و ناسیونالیستهای رنگارنگ امیدشان

را به پیروزی موسوی گره زده اند. پیروزی موسوی پیروزی آنها است. جمهوری اسلامی کمی تلطیف شده به مذاق همه آنها خوش آمده است. در عین حال نباید فراموش کرد که همه اینها به دنبال تغییر رژیم جمهوری اسلامی هستند اما فکر میکنند راه تغییر رژیم دفاع از جناحی از آن در مقابل جناح دیگر و تحمیل استحاله به آن است. بنابر این مردم تکلیفشان با اینها روشن است اینها در بهترین و خوشبینانه ترین حالت خواهان تسلط ناسیونالیسم ایرانی و رژیم شبیه ترکیه هستند.

اما چپ جامعه با تمام تنوعش سرنگونی طلب و خواهان ریشه کن کردن جمهوری اسلامی است. با این حال بجز حزب کمونیست کارگری بقیه جریانات چپ میدان را برای جریانات راست خالی کرده و این اعتراضات میلیونی را دو دستی تحویل موسوی و جناح اش داده اند. اکثریت آنها جنگ نرفته تسلیم شده اند. فقط به تکرار اوراد و کلمات "رادیكال" و "كارگر" و "سوسیالیسم" مشغولند. اکثریت آنها این جنبش را در چهار چوب جنگ جناحها ارزیابی کرده و آنرا انقلاب مردم نمیدانند. بخشی از آنها این جنبش را نه انقلابی علیه رژیم اسلامی که ارتجاعی و سبز میخوانند. شاخص ترین نیرویی که در این مورد نوشته است. اینها رسماً در مقابل انقلاب مردم ایران قرار گرفته و آنرا ارتجاعی میدانند. از چنین نیرویی انتظار دیگری نیست اینها با این اقدام ناخردانه و ارتجاعی تیر خلاص به خود شلیک کرده و به تاریخ پیوسته اند. متلاشی شدن اینها با سرعت بیشتری ادامه پیدا میکند.

راهی برای خود باقی نگذاشته اند. حزب کمونیست ایران و کومله با کمی فاصله در چهار چوب همان موضع حزب مدرسی به ارزیابی انقلاب مردم علیه رژیم اسلامی پرداخته است. ابراهیم علیزاده این انقلاب را تکرار کاریکاتوری از انقلاب ۵۷ میداند و آنرا فاجعه میداند. زیرا فکر میکند مردم اعتراض خود را به موسوی گره زده و این اعتراضات گویا تماماً تحت تسلط موسوی قرار گرفته است! جریانات و محافل دیگر چپ در

همین زمینه کسانی دست به قلم برده و شکست خود را اعلام کرده اند.

این دسته از جریانات "چپ" انتظار دارند کسانی پرچم پیروزی انقلاب "سوسیالیستی" را به اطاق نشمین آنها بیاورند و بگویند بفرمایید انقلاب سرخ شده است و شما هم تشریف بیاورید!!

با این متد برخورد به جنبشهای اجتماعی در چنین حالتی هم شك دارم که این جریانات جسارت و شهامت اینرا داشته باشند به میدان بیایند و بگویند ما میخواهیم حکومت تشکیل بدهیم. آنها منتظر هستند کارگران شورا و مجمع عمومی تشکیل بدهند و انقلاب را به پیروزی برسانند و از این جمع نظاره گر بخواهند که الان وقت به میدان آمدن شما فرا رسیده است. این چپ با فرمولهای کتابی انقلاب سوسیالیستی را میشناسد. مکانیسم حرکت و رشد جنبشهای اجتماعی را یا نمیشناسد و یا اعتقادی به آن ندارد. از زاویه ضعف و ناتوانی خود دنیا را ارزیابی میکنند. حتی هنگامیکه پیروزی مردم هم مسلح شود ممکن است آن موقع هم بگوید انقلاب کارگران مردم شباهتی به تصورات ذهنی آنها ندارد و باز هم فقط از پنجره نظاره گر تحولات باشند و باز هم مبارزه کردن و اپوزیسیون ماندن خود را مایه فخر بدانند.

جریانی که در این تحولات در کنار مردم و در راس مبارزات آنها نباشد و یا برای پیروزی مردم در این جنگ با رژیم حاکم خود را شریک نداند سرنوشتش در بهترین حالت ماندن در حاشیه تحولات اجتماعی خواهد بود. همینجا لازم است يك بار دیگر تاکید کنیم که همه کمونیستها، همه آزادیخواهان و همه جریانات چپ در این جدال باید با تمام قدرت به میدان بیایند. برای پیروزی مردم علیه نظم حاکم باید جریانات و نیروهای بینابینی و سازشکار را از جلو پای مردم برداشت. این امر بدون دخالت جدی و با قدرت در هدایت مبارزات جاری امکان پذیر نیست. حزب کمونیست کارگری این پرچم را در دست دارد و همه انسانهای آزادیخواه لازم است به تقویت این جبهه بپردازند.

هزاران نفر از مردم تهران یاد نذا را...

از صفحه ۱

عصر امروز در شهرک اکباتان نیز گروهی از جوانان و مردم تجمع کردند و شعار دادند مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر حکومت زور و سپس به یاد ندا و سایر جانبازان سکوت کردند.

در کرمانشاه نیز مردم برای بزرگداشت ندا به منطقه نوبهار رفتند اما سرکوبگران که این روزها در آماده باش بسر میبرند خود را به این منطقه رساندند و مانع برگزاری مراسم توسط مردم کرمانشاه شدند.

در خارج کشور نیز در شهرهای مختلف اروپا مراسم های متعدد و بزرگی علیه جمهوری اسلامی و به یاد ندا و سایر جانبازان راه آزادی و انسانیت برگزار شد و هزاران نفر در این مراسم ها شرکت کردند.

حزب کمونیست کارگری به مردم آزادیخواه در ایران و خارج کشور که با تجمعات و مراسم های خود یاد ندا و جانبازان خود را گرامی داشتند درود میفرستد و اقدام بزرگ آنها را ارج مینهد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ ژوئن ۲۰۰۹، ۶ تیرماه ۱۳۸۸

دادند. سرکوبگران سه نفر از جوانان را دستگیر کردند. اما مردم متفرق نشدند و بار دیگر حوالی ساعت ۷ بعدازظهر در بلوار کشاورز غربی تجمع کردند. تجمع کنندگان قصد داشتند خود را به پارک لاله برسانند که با یورش گارد ویژه مواجه شدند و گفته میشود که چند نفر از مردم زخمی شدند. نیروهای گارد ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصی ها تمامی خیابانها و کوچه های منتهی به پارک لاله در میدان انقلاب، بلوار کشاورز، خیابان مطهری و فاطمی را به محاصره خود در آورده اند. آنها با ماشینها و موتورهای خود در حالی که باتوم در دست دارند به جوانان حمله میکنند و جوانان بعد از هر حمله ای پراکنده میشوند و در نقطه دیگری تجمع میکنند.

طبق گزارش دیگری تعدادی از مادران جانبازان به پارک لاله رفتند تا یاد عزیزان خود را گرامی بدارند. نیروهای سرکوب با موتورهای خود در پارک لاله گشت میزدند تا مانع تجمع و مراسم آنها شوند. ماموران موفق شدند مردم را پراکنده کنند و به هر تجمع بیش از دو نفر حمله می کنند.

جنایتکاران سه گلوله به سینه اشکان جوان زدند و او قبل از اینکه به بیمارستان برسد

درگذشت. او در قطعه ۲۵۷ بهشت زهرا ردیف ۵۰ شماره ۱۹ به خاک سپرده شد.

یادش برای همیشه
گرامی باد



اشکان سهرابی یکی
دیگر از جانبازان
روز ۳۰ خرداد ۱۳۸۸

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش.
- ۷- آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تامین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.

مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

نامه حمید تقوایی به بانکها و نهادهای مالی جهان

- مربوطه بطور غیرقانونی و جعل و کلاهبرداری آنرا تصاحب کرده اند.
- حزب کمونیست کارگری و مردم و دولت آینده ایران، هر نوع همکاری و کمک به تسهیل این نقل و انتقال را همدستی با این دزدیها قلمداد کرده و آنرا مغایر منافع مردم ایران می داند.
- ۲- نباید برای سران و مقامات رژیم چنین حسابهای بانکی باز شوند. همه اطلاعات مربوط به حسابهای فعلی باید علنی شده و در دسترس تحقیقات قانونی قرار گیرند. همه حسابهای فعلی باید سریعاً بسته شده و موجودیهای آن مسدود شوند. این اموال متعلق به مردم ایران است و باید به آنان بازگردانده شود.
- ۳- حزب کمونیست کارگری ایران محق است که از همه ابزارهای قانونی که در اختیار دارد استفاده کند تا جلوی این اعمال را گرفته و طرفین دخیل در آنرا افشا کند. این اختلاس و دزدی محسوب می شود. اینکار غیر قانونی و غیر قابل قبول است.
- من در انتظار عکس العمل و اقدامات فوری شما هستم.
- حمید تقوایی دبیر کل
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ ژوئن ۲۰۰۹
- با عمیقتر شدن بحران سیاسی در ایران و متزلزل شدن پایه های رژیم جمهوری اسلامی در برابر انقلاب مردمی، شواهد زیادی در دست است که مقامات رژیم، آیت الله ها، و سران و عوامل بالای حکومتی بشدت مشغول منتقل کردن دارائیهای عمومی به حسابهای شخصی خود در کشورهای دنیا هستند.
- حزب کمونیست کارگری ایران بوسیله این نامه به نمایندگی مردم ایران به همه بانکها و نهادهای مالی اخطار میکند:
- ۱- همه این اموال دارائی قانونی مردم ایران است و افراد

سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم توسط مردم معترض تسخیر شد



شرکت کننده در تظاهرات و بویژه کسانی که موفق به تسخیر لانه جنایتکاران اسلامی شدند درود میفرستد.

دیر نیست زمانی که همه سفارتخانه های رژیم در سراسر جهان به تسخیر مبارزین راه آزادی و برابری درآید.

**مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی و برابری!**

**تنگنات خارج کشور حزب
کمونست کارگری ایران
۲۶ ژوئن ۲۰۰۹، ۵ تیر ۸۸**

رودرو و با شجاعت، موفق به خلع سلاح مزدوران رژیم اسلامی شدند. مزدوران جمهوری اسلامی که عزم جزم مردم معترض را مشاهده کردند از وحشت خود را پنهان کردند. با دخالت پلیس و شلیک تیر هوایی تظاهرکنندگان سفارت را ترک کردند. در این تظاهرات فعالین حزب پرچم حزب را بر سردر سفارت نصب کردند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران اقدام شجاعانه ایرانیان آزادیخواه در استکهلم را میستاید و به صدها

اسلامی ایران، مرگ بر حکومت ضد زن و تنها راه رهائی انقلاب است، از جمله شعارهای تظاهرات بود.

در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر تظاهرکنندگان خشمگین با پرچم های سرخ و فریادهای مرگ بر جمهوری اسلامی به سفارت جمهوری اسلامی هجوم آوردند و با شکستن درب سفارت خود را بدخل محوطه سفارت رساندند و با مزدوران جمهوری اسلامی که به اسلحه گرم و چاقو مجهز بودند به زد و خورد پرداختند. مردم در یک تقابل



مقابل سفارت تجمع کردند و تظاهرات باشکوهی برگزار کردند که هنوز هم ادامه دارد. شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر جمهوری

امروز جمعه ۵ تیر، ۲۶ ژوئن در استکهلم صدها نفر بدعوت سازمانها و احزاب سیاسی و مخالفین رژیم جمهوری اسلامی در

دو خبر از سنندج

پرداخت ۶۰ میلیون تومان را داده بودند و بعد از یک سال پدر شیرکو از پرداخت پول به خانواده مقتول خود داری کرده بود، اما باز هم خانواده حسن جعفری (مقتول) در آخرین لحظات که شیرکو روی چوبه دار بود و طناب برگردنش آویزان بود او را از مرگ حتمی نجات دادند، و پسر مقتول طناب را از گردن شیرکو علی رمائی که هنگام قتل ۱۷ سال بیشتر نداشت باز کرد و او را از مرگ نجات داد.

تجمع در خیابان تاج

بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است روز دوشنبه ۸ تیر ماه ۸۸ جمع کثیری از مردم و جوانان مبارز شهر سنندج در خیابان تاج اقدام به آتش زدن لاستیک کردند. نیروهای سرکوبگر رژیم به محل سرازیر شده و جمعیت را متفرق کردند.

جلوه دیگری از انسانیت

بنا به خبر دیگری از سنندج روز سه شنبه ساعت ۵ صبح به وقت ایران در زندان مرکزی سنندج، شیرکو علی رمائی که ۴ سال پیش در قتل حسن جعفری دست داشته بود به پای چوبه دار رفت. خانواده حسن جعفری با وجود اینکه خانواده شیرکو قول

تسخیر سفارت رژیم در سوئد و زوزه کیهان شریعتمداری

از شما دوا نمیکند. به زودی نه فقط سفارت هایتان را جمع میکنیم و مزدوران گماشته شده تان را به دادگاههای بین المللی میسپاریم، بلکه در تهران گوش همه شما را میگیریم و به دادگاههای عدالت مردم میسپاریم. با اولین هجوم مردم به مراکزتان، دفتر کیهان را نیز در کنار صدا و سیما و شکنجه گاهها و... در لیست تصرف خود گذاشته ایم. اگر تاکنون با شنیدن صدای مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر جمهوری اسلامی زیر پنجره دفتر کیهان نفستان بریده نشده باشد، آماده شوید که بزودی به جرم جنایت علیه بشریت دستگیرتان میکنیم و به دست عدالت می سپاریم.

مرگ بر جمهوری اسلامی

**حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ ژوئن ۲۰۰۹، ۶ تیر ۱۳۸۸**

در حمایت از اوپاش و اغتشاشگران دو هفته قبل در تهران، به بریایی تجمع اقدام کرده بودند. عناصر ضدانقلاب تجمعات کم رونقی هم در آمریکا، انگلیس و فرانسه ترتیب دادند تا به خیال خود حضور حماسی و ۴۰ میلیونی ملت ایران در انتخابات جمعه ۲۲ خرداد را کمرنگ سازند.

حزب کمونیست کارگری در پاسخ به حسین شریعتمداری و کیهان، این بلندگوی جنبش تروستی اسلامی اعلام میکند که احمق ها کارتان از این حرفها گذشته است. میدانید که آنچه این روزها در ایران و در خارج کشور حماسه محسوب میشود، عزم جزم میلیونها نفر برای به زیر کشیدن حکومت شما جانپان و دزدان و فاسدان و تروریستهای مفلوک اسلامی است. این مزخرفات دردی

کیهان شریعتمداری، ارگان چاقوکنش حرفه ای نظام، سازمانده قتلهای زنجیره ای، این آلت قتاله و ابزار تهدید، ترور و نقشه کشیدن برای مخالفین میلیونی این نظام، با تصرف سفارت جمهوری اسلامی به زوزه افتاده است. روزنامه ای که نوشته هایش به واقع در شکنجه گاهها و سلولهای مرگ، در حد فاصل میان زدن کابل و گرفتن اعتراف نوشته میشود، بدجوری در منگنه مبارزات انقلابی مردم ایران در داخل و خارج کشور دست و پای خود را گم کرده است. حسین شریعتمداری که این روزها از ترس مردم، خود را در سلولهای اعتراف گیری اوین پنهان کرده است، به عنوان خبر ویژه کیهان، ضمن اقرار به گوشمالی شدن مزدورانشان از سوی کمونیستهای کارگری و انقلابیون در استکهلم مینویسد: "این عده که حدود ۱۰۰ نفر بودند

**اعدام قتل عمد
دولتی است،
مجازات اعدام
باید لغو شود!**

* * *



انترناسیونال: درگیریهای

درونی رژیم اسلامی هر روز حادث می شود و ابعاد به مراتب گسترده تری به خود می گیرد. تبیین رایج در میان خود جناحهای حکومت از ماهیت این اختلافات روی مقولات ولایت فقیه، قانون و جامعه مدنی دور میزند. از نظر شما این تعبیر چقدر ماهیت و محتوای واقعی اختلافات درون رژیم را در شرایط حاضر بیان میکنند. اختلاف جناحهای حکومتی واقعا بر سر چیست؟

منصور حکمت: تبیین رایج

از اختلافات درون هیأت حاکمه، چه در رسانه های خود رژیم، و چه در نشریات خاتمیون در اپوزیسیون، یک تعبیر گمراه کننده از واقعیتی است که جلوی روی ماست. شک نیست که در میان محافل و دستجات مختلف درون رژیم بر سر اینکه اسلام چیست، حکومت اسلامی چه پدیده ای است، ولایت فقیه چه چهارچوبی دارد و آیا باید مشروعیتش را به چماق ایندولوتیک اسلام متکی کند یا به انتخابات، قانون چیست و آنچه چه جایگاهی دارد و غیره اختلافات زیادی وجود دارد. اما جستجو کردن ریشه های بحران حکومتی رژیم اسلامی و کشمکشهای جناحهای حکومت در ایران امروز در این نوع اختلافات دیدگاهی در درون هیأت حاکمه، پرت افتادن از حقیقت و واقعیات تاریخی است. علل بحران و تنش امروزی حکومت اسلامی حقایق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ای است که این حکومت با آن روبروست و نه اختلافات فقهی و عقیدتی و حتی استراتژیکی درون آن.

این تعبیر از بحران حکومتی در ایران، یعنی تعبیری که منشاء این کشمکشها را در اختلافات جناحها بر سر ولایت فقیه و قانون جستجو میکند، یک اشکال کوچک دارد و آن اینست که مردم و تاریخ

درباره رویدادهای سیاسی ایران مصاحبه با نشریه انترناسیونال

مادی جامعه را از تصویر بیرون میگذارد. از نظر تاریخی، جمهوری اسلامی ایران یک پروژه شکست خورده است. از نظر سیاسی، مردم علنا حکم به رفتن آن داده اند و اعلام کرده اند نمیخواهندش. این منشاء این وضعیت است. حکومتی که روند تاریخی و ۶۰ میلیون مردمی که زیر سیطره اش زندگی میکنند پایان عمرش را اعلام کرده اند، به بحران و کشمکش داخلی می افتد، از هر شکاف بالفعل و بالقوه از هم گسسته میشود و اجزاء و جناحهای متشکله اش به جان هم میافتند. این روند شروع شده است. اختلافات درونی حکومت بر سر ولی فقیه و غیره منشاء این بحران نیست، بلکه برعکس، این بالا گرفتن بحران حکومتی و طرح مساله بقاء رژیم است که باعث اوجگیری این اختلافات شده است. بحث اختیارات ولی فقیه و محدود ماندن و نماندنش به قانون، یعنی ولایت فقیه مشروطه یا استبدادی، هماغه به اوضاع امروز مربوط است که بحث مشروطه بودن و نبودن سلطنت و دامنه اختیارات شاه به اوضاع سال ۵۷، یعنی هیچ.

این تبیین قلابی از چند سرچشمه معین آب میخورد. اول، جناحهایی از خود رژیم. اینها میخواهند بحث در محدوده حکومت اسلامی بمانند و دامنه اعتراض مردم در حد ترین حالت هم به اصلاح و تعدیل نظام محدود بماند و کل رژیم اسلامی زیر سوال نرود. خاتمی فرج پهلوی این رژیم است. واقعا خیال رژیم شاه چقدر راحت میشد اگر جنبش ضد سلطنتی از ابتدا هدف خود را اجرای قانون اساسی سلطنت مشروطه و محدود شدن دامنه اختیارات شاه تعریف میکرد و با شعار "زنده باد دکتر فرج پهلوی" به میدان میامد. به هر درجه این فرمول قلابی امروز باب بشود، بهمان درجه جمهوری اسلامی زمان سقوطش را عقب انداخته است. دسته دیگری که به این تبیین دامن میزنند اخراجی ها و منتظر خدمت های خود رژیم و محافل سیاسی شریک در روی کار آوردن و بقاء حکومت کثیف اسلام

تصور میکنند و برای خود "معافیت هنری" از آزادیخواهی و حتی از شعور روزمره قائلند، متعلق به این طیفند. لحن زننده اینها در برابر کمونیستها و مدافعین بزیر کشیدن رژیم اسلامی را با نیش بازشان هنگام سخن گفتن از "دکتر خاتمی" مقایسه کنید تا جایگاه اجتماعی اینها را دریابید. نظام اجتماعی مطلوب اینها، چیزی حول و حوش همین مشروطه اسلامی خاتمی است. اینها دلشان آنجاست. آرمانشان همان است. برای اینها هم مساله دقیقا تعدیل جمهوری اسلامی است. این را به احتمالات ناشی از سرنگونی رژیم ترجیح میدهند.

این جریانها در تفسیر اوضاع امروز در قالب جدال بر سر ولایت فقیه کاملا ذینفعدند. منتها بخشهایی از اپوزیسیون باصطلاح چه هم هستند که این فرمولبندی را لابد از سر پراگماتیسم و "پلتیک" زنی تاکتیکی، و در واقع بدلیل نداشتن اصول روشن سیاسی و نظری و نداشتن حرف و برنامه مستقل در قبال جامعه، تکرار میکنند. فکر میکنند با چسبیدن به این مقولات و بازی کردن در این زمین، سیاسی تر و دست اندرکار تر و بی بی سی پسند تر ظاهر شده اند. اما واقعیت این است که این صرفا سند دنباله روی آنها از حوادث و رقصیدن به ساز ژورنالیسم سطحی و مغرض در غرب است.

صورت مساله در اختلاف امروز میان جناحهای حکومت اینست که راهی برای تضمین بقاء رژیم اسلامی بیابند. این منفعت مشترک همگی شان است. همگیشان میدانند مردم ناراضی اند و حکم به رفتن رژیم اسلامی داده اند. نسلی که از ضد انقلاب اسلامی شکست خورد این نسل نبود. بیست سی میلیون آدم جدید پا به حیات سیاسی گذاشته اند که دلیلی نمیبینند بخاطر آنچه بر پدران و مادرانشان رفته است، مطیع این توحش و عقب ماندگی باشند. دارند دنیا را میبینند و چیز دیگری میخواهند. نخستین مصاف اجتماعی و سیاسی واقعی این نسل با جمهوری اسلامی در راه است. در مقابل این نیروی تازه نفس و

خوشبین به قدرت خود، یک رژیم از نفس افتاده داریم که نسل اول بانیانش دارند از دور خارج میشوند و مشروعیتش را حتی برای جیره خوارانش از دست داده است. در هراس از این زورآزمایی، محافل مختلف درون رژیم به تکاپو افتاده اند. هرکس فکر میکند که یک نقطه تعادل تلاطمی یافت میشود که در آن بقاء رژیم ممکن است. اصلاح طلبان این نقطه تعادل را یک رژیم اسلامی تعدیل شده و مشروطه میدانند که بتواند این فشارها را هضم و کنترل کند. معتقدند یک رژیم فوق قشری و الهی مردم را به نبرد رویاروی فرا میخواند و گور خود را میکند. جناح مقابل، مدافعان ولایت مطلقه فقیه، میگویند کوچکترین سازش با مردم دروازه را بر هجوم های عظیم بعدی میگشاید. یک گام به عقب با سرنگونی یکی است. میخواهند بزنند و بمانند. واقعیت اینست که هیچ نقطه تعادل واقعی وجود ندارد. هیچ فرمولی جلوی سقوط پدیده ای را که از نظر تاریخ، از نظر اقتصاد سیاسی جامعه و از نظر مردم عمرش را کرده است نمیتواند بگیرد. تخریب خصلت ماهوی و درونی این سیستم است.

انترناسیونال: یکی دیگر از

اختلافات درون هیئت حاکمه بر سر رابطه رژیم اسلامی با آمریکا است. بحث بر سر این موضوع بویژه با مسائلی که خاتمی در کنفرانس اسلامی مطرح کرد دوباره داغ شده است. بخشهایی از اپوزیسیون همواره بر مخالفت آمریکا با جمهوری اسلامی حساب ویژه ای باز کرده اند و لذا عادی شدن رابطه رژیم اسلامی با آمریکا را عامل ماندگاری رژیم اسلامی می دانند. از نظر شما رابطه با آمریکا در اختلافات درونی رژیم چه جایگاهی دارد و عادی شدن این روابط چه تاثیری بر رابطه مردم با رژیم اسلامی می گذارد؟

منصور حکمت: از چراغ

سبزه های اخیر خاتمی تا عادی شدن رابطه ایران و آمریکا راه دراز و پر فراز و نشیبی است. تازه اگر اصولا قرار باشد این راه در حیات این رژیم معین طی بشود. به همین جهت اینکه عادی شدن رابطه چه تاثیری

درباره رویدادهای سیاسی ایران ...

در برخورد مردم با رژیم دارد، بنظر من سوالی زودرس است و فقط جا برای حدس و گمان باز میکند. رابطه ایران و آمریکا صرفاً يك مساله دیپلوماتیک یا امری در حیطه سیاست خارجی دو دولت نیست. بلکه يك شاخص و نمودار از معادلات سیاسی پیچیده تری است. جنگ قدرت در داخل حکومت

ایران، سیر تکوین حاکمیت و مبنای "مشروعیت" رژیم از دیدگاه خودش، موقعیت رژیم ایران در قبال صلح فلسطین، رابطه عملی و سیاسی رژیم ایران با احزاب افراطی اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا و تعیین تکلیف عراق با آمریکا، اینها اهم مسائلی هستند که مساله رابطه ایران و آمریکا به آن گره خورده است. برخلاف نیروهای اپوزیسیونی که به آنها اشاره کردید، یعنی عمدتاً سلطنت طلبان و ملیون و مجاهدین، که با حساسیت نگران آشتی رژیم با دولت آمریکا هستند، بخش مهمی از خود رژیم عادی سازی روابط با آمریکا را ناقوس مرگ این حکومت تلقی میکنند. نه به این خاطر که

رابطه با آمریکا فی نفسه عامل بی ثباتی رژیم خواهد شد، بلکه به این دلیل که ضد آمریکایی گری، ولو صرفاً در سطحی نمایشی و تبلیغاتی، یک رکن مهم هویت سیاسی تاکنونی رژیم در منطقه بوده است. عادی شدن روابط با آمریکا در یک بعد مهم پرونده دوران خمینی و میراث سیاسی آن دوران را میندند و جمهوری اسلامی را ناگزیر میکند خود را چه در سطح داخلی و چه در سطح بین المللی باز تعریف کند. این کار عملی نیست. رژیم اسلامی فقط بعنوان میراث آن دوران و بر دوش پیروزی خونین ضد انقلاب اسلامی در سالهای قبل، به حیات خود ادامه داده است. برقراری رابطه با آمریکا به معنای تجدید نظر طلبی در هویت سیاسی رژیم است. چنین حرکتی وقتی کل جامعه در کمین رژیم است و انتظار نابودی اش را میکشد، میتواند کل این دم و دستگاه را به هم بریزد و ساعت نابودی اش را جلو بیاورد. بنابراین فکر میکنم حتی مساله رابطه با

رود مردم به نبردهای نهایی برای سرنگونی کل رژیم، چنان متلاطم خواهد بود که مساله رابطه ایران و آمریکا را بار دیگر تحت الشعاع قرار خواهد داد.

انترناسیونال: بنظر میرسد ائتلاف مدافع خاتمی در درون رژیم به نسبت زمان بعد از انتخابات تغییراتی کرده است. ترکیب و موازنه قوای جناحهای رژیم اسلامی را چگونه می بینید؟

منصور حکمت: این ائتلاف از ابتدا بیشتر یک ائتلاف مقطعی و انتخاباتی علیه انتخاب ناطق نوری بود تا یک ائتلاف سیاسی. فاصله جناح رفسنجانی از طرفداران به اصطلاح لیبرال خاتمی و همینطور خط امام سابق و مجاهدین انقلاب اسلامی از ابتدا محسوس بود. رویدادها و اصطکاکهای اخیر شرایطی پیش آورد که در آن رفسنجانی بتواند بطور مشهودی این فاصله را ترسیم کند. بنظر من رفسنجانی به موضع خامنه ای نرفته و نخواهد رفت. موضع رفسنجانی موضع ثالثی است. این جناح دارد خود را برای دوران پس از خامنه ای آماده میکند. رفسنجانی بنظر من بر سر حتی ولایت فقیه هم ممکن است سازش کند، اما تعریفش از "خودی و بیگانه" با خامنه ای و تمام محفل کاربدستان اصلی دوران خمینی یکی است. سوال برای اینها سر کار نگاهداشتن جناحهای خودی است. رفسنجانی به هر "پرسترویکایی" در اقتصاد و سیاست و دیپلوماسی رضایت خواهد داد مشروط بر اینکه "گلاسنوستی" در کار نباشد. رفسنجانی دنبال راه حل "چینی" مساله است. بنظر من شانس ندارد، در درجه اول چون رژیم اسلامی پاسخ اقتصادی ندارد.

تا آنجا که به موازنه قدرت مربوط میشود بنظر من باید تصویر استاتیک و دینامیک از مساله را از هم تفکیک کرد. همین امروز قدرت جناح خامنه ای بیشتر است چون ابزارهای سرکوب و ارباب را دست خود متمرکز دارد. اما جناح خامنه ای در روند اوضاع دست بالا ندارد و

در موضع ضعف و دفاع است. بنظر من رویدادهای اخیر نه نشان قدرت این جناح بلکه نشان استیصال و سراسیمگی آن بود. معنی این حرف زوال تدریجی اینها نیست. برعکس باید منتظر بالاگرفتن بازهم بیشتر خشونت از طرف این جریان بود.

انترناسیونال: وجود یک ارتجاع نامنسجم فضای مناسبی به کارگران و مردم برای اعتراض می دهد. اما مساله این است که چه عواملی می تواند این اعتراضات و نفرت عمیق مردم از رژیم اسلامی را به سمت یک جنبش اعتراضی متشکل و با خواستهای روشن ببرد؟

منصور حکمت: بنظر من یک جنبش اعتراضی واحد متشکل با خواستهای روشن در ایران شکل نمیگیرد. فقط وقتی میشود یک جنبش اعتراضی واحد داشت که اتفاقاً خواستها روشن نباشد و فقط "مرگ بر"ها معلوم باشد. اینبار چندین جنبش اعتراضی متشکل با خواستها و برنامه ها و آلترناتیوهای ویژه خویش پا به میدان خواهند گذاشت. ما میتوانیم برای پیروزی و جلو افتادن یکی از اینها کار کنیم و آن جنبش کارگری - سوسیالیستی است. چگونه میتوان این جنبش را بعنوان یک جنبش متشکل با شعارهای روشن به میدان کشید؟ تمام موجودیت حزب کمونیست کارگری و تمام دو دهه کار ما، پاسخی به این سوال است.

انترناسیونال: حزب کمونیست کارگری تاکنون در یک سطح عمومی طبقه کارگر و مردم ایران را به برپایی یک انقلاب علیه رژیم اسلامی فراخوانده است. اما دفتر سیاسی حزب در اطلاعیه "جنگ بازنده ها" بطور مشخص طبقه کارگر و مردم را به انقلاب

فراخوانده است. آیا این فراخوان تاکید مجددی را به مبارزه علیه کلیت رژیم مدنظر دارد (در شرایطی که بخش وسیعی از اپوزیسیون به حمایت از یک جناح رژیم برخاسته است) یا هدفش مطرح کردن مسئله قدرت سیاسی به عنوان مسئله روز است؟

منصور حکمت: تقسیم اوضاع به "کلی یا مشخص" و تقسیم شعارها و اهداف یک جریان به "شعارهای عمومی و یا فراخوانهای روز"، روشی نیست که لااقل من به مبارزه سیاسی نگاه میکنم. این دو قطبی ها ممکن است برای مرتب کردن ذهن کسی مناسب باشد، اما با پیوستگی درونی و ذاتی جهان مادی تناسب ندارد. بنظر من اصول همواره عاجل اند، حقیقت همیشه گفتنی است، امر آرمانی همیشه فوری است. میدانم خیلی ها به آن اعلامیه از آن دید نگاه میکنند و بسیاری رفقا از "کنکرت شدن" فراخوان انقلاب به وجد آمده اند. اما انقلاب سوسیالیستی برای ما همیشه کنکرت و عاجل است. شاید چیزی که فرق کرده بحث امکانپذیری و وجود شرایط مادی برای برآه افتادن یک جنبش انقلابی وسیع است. شعار همیشگی و قدیمی ما مبنی بر انقلاب علیه رژیم اسلامی امروز جبراً گوش شنوا تری پیدا میکند و توجه بیشتری را بخود جلب میکند. این عالی است. میشود عملاً دست بکار شد. بحث بر سر مبرمیت یا موضوعیت یافتن سیاسی و تاکتیکی مقوله انقلاب از نظر ما نیست، بلکه برسر گسترش امکانات پراتیک کردن آن است. سیاست ما ثابت است، این مردمنده که دارند تغییر میکنند. دوره آینده دوره ماست.

به نقل از نشریه انترناسیونال شماره ۲۶ دی ۱۳۷۶، ژانویه ۱۹۹۸

**اساسی سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.**

تلفن و آدرس تماس برای کمک مالی:

تلفن کمک از ایران:

عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تلفن تماس در اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

حسن صالحی: ۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

خراج ۴ تن از کارگران شرکت ساختمانی رهگا

روز هشتم تیر ماه ۴ تن از کارگران شرکت ساختمانی رهگا در ارومیه که در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوقشان دست از کار کشیده بودند، با اخلاگر خوانده شدن از طرف کارفرما، از کار اخراج شدند. این کارگران به همراه ۱۳ نفر دیگر از کارگران شرکت رهگا از روز هفتم تیر ماه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های خود دست به اعتصاب زده بودند. شرکت رهگا پیمانکار ساختمان بانک صادرات مرکزی ارومیه است. کارفرمای این شرکت به کارگران گفته است که از این به بعد حقوق خود را با ۳ ماه تاخیر دریافت خواهند کرد. این کارگران به صورت قراردادهای ۳ ماهه به استخدام در آمده اند. کارفرما دلیل عدم پرداخت دستمزد را نبود نقدینگی بخاطر شرایط غیر عادی کشور! عنوان کرده و گفته است بین دریافت حقوق با سه ماه تاخیر و یا بیکاری یکی را انتخاب کنند. کارفرما حتی حاضر به تسویه حساب با کارگران نبوده و به آنان گفته بود که در ازای

اعتصاب در کارگاه های
آجرپزی وایقان شبستر وارد
سیزدهمین روز خود شد

روز دوشنبه ۸ تیر ماه ۲۰ نفر از کارگران ریخته گری تعاونی ۱۶۹ سندج از کار اخراج شدند. این کارگران به منظور اعتراض و شکایت به اداره کار مراجعه نموده و شکایتی به این اداره تسلیم نمودند. هم چنین بنابر اخبار رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، ۴۰۰ کارگر

شماره حسابهای حزب در خارج کشور

شماره حساب سوئد:

Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

شماره حساب آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr
583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

شماره حساب کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
Mississauga, Dixie Rd 4900
L4W 2R1
Account #: 84392 00269

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 4779
BIC: NWBK GB

شماره حساب هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

برای هر خشت - شدند. کارفرما با دادن وعده پرداخت حق بیمه و مزایای کار، هنوز بر دستمزد مورد نظر خود - برای هر خشت ۱۰ تومان - اصرار دارد و کارگران نیز از خواست خود کوتاه نیامده اند. زنده باد همبستگی کارگران اتحادیه آزاد کارگران ایران

اتحادیه آزاد کارگران ایران

کارگاه های آجر پزی وایقان شبستر هنوز با گذشت ۱۳ روز در اعتصاب به سر می برند. در مجمع عمومی هفتم تیر ماه کارگران تصمیم گرفتند که با جلوگیری از خروج ماشین های باری از کارگاه ها، از فروش ممانعت به عمل آورند. هم چنین ۱۵۰ نفر از این کارگران روز ۸ تیر ماه با تجمع در مقابل فرمانداری شبستر خواهان رسیدگی به تقاضای خود - مبنی بر تعیین دستمزد ۱۲ تومان

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!